

## انارستان‌های اورامانات؛ دریچه‌ای به کارالی باستان

ایرج رضائی<sup>I</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.20618.2051  
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸  
 نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۳۴-۱۱۵

## چکیده

I. دکتری باستان‌شناسی.  
 Iraj.Rezaie@ut.ac.ir

در متون میخی دوره سارگون دوم، چندبار به جای نام «کارالا/کارالی/کارالو»، به‌عنوان سرزمینی که در برابر سپاه متجاوز آشوری مقاومت کرده، اشاره شده است. تاکنون پژوهشگران برای مکان‌یابی این جای‌نام، چندین گزینه مختلف، به‌ویژه در محدوده شهرستان‌های سردشت، مریوان، سروآباد و کامیاران پیشنهاد کرده‌اند. پژوهش حاضر که با رویکرد تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی، براساس منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه از بومیان منطقه اورامانات به سرانجام رسیده؛ در پی آن است تا به کمک شواهد زبان‌شناختی، و انطباق آن با مدارک باستان-شناختی و ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، به برخی از ابهامات و پرسش‌های مطرح شده، به‌ویژه در بحث مکان‌یابی کارالا، پاسخ دهد. کشف یک سرنخ جدید توسط نگارنده، نشان می‌دهد که نام این مکان هنوز هم، پس از گذشت قرن‌ها، بر یکی از ارقام (ژنوتیپ‌های) بومی انار متعلق به ناحیه اورامانات حفظ شده است. انار مورد بحث که به «کارالی» موسوم است، بومی منطقه اورامانات بوده و به لحاظ ویژگی‌های ظاهری، متفاوت از دیگر ارقام انار در همین منطقه است. این یافته جدید، افزون بر کتیبه تنگی‌ور، تا حد زیادی امکان انطباق کارالا/کارالی باستان را با ناحیه اورامانات کنونی (در گردی هورامان) تقویت می‌نماید، و نظر آن دسته از پژوهشگرانی را که پیش از این کارالا را در محدوده اورامانات جستجو می‌کردند، تأیید می‌کند. اورامانات یک منطقه جغرافیایی ویژه، با کوه‌های بلند و پرشیب و دره‌های تنگ و عمیق و آب‌های جاری فراوان است که دشت‌های باز و زمین‌های هموار در آن بسیار کمیاب است. این ویژگی طبیعی که وجه تمایز اورامانات از مناطق همجوار آن است، سبب شده است که در طول تاریخ، بیگانگان از جمله پادشاهان جنگجوی آشوری، نتوانند به‌طور مداوم و به آسانی بر منطقه اورامانات دست یابند. باتوجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد که برخی از محوطه‌های ناحیه اورامانات که دارای لایه‌های استقرار مربوط به عصر آهن III هستند، به‌گونه‌ای با فرهنگ مادی مردمان کارالی باستان در ارتباط باشند.

**کلیدواژگان:** آشورنو، کارالا، اورامانات/هورامان، انار کارالی، تنگی‌ور.

## مقدمه

متون میخی دوران آشورنو که به اشکال مختلفی چون: سنگ‌نوشته و حجاری صخره‌ای، سنگ یادمان، الواح گلی، دیوارنوشته‌های درون کاخ‌ها و غیره برجای مانده‌اند؛ بدون تردید، مهم‌ترین منبع موجود برای شناخت ما از وقایع سیاسی و نظامی نیمه نخست هزاره اول پیش‌ازمیلاد در محدوده مناطق غربی ایران به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، متون مذکور اطلاعات بسیار مهم و پرازشی را درباره جای نام‌های واقع در این مناطق، شامل: نام شهرها، دهکده‌ها، نواحی جغرافیایی، کوه‌ها، رودها و اقوام مختلف ساکن در آن در اختیار می‌گذارند. حتی با دقت و غور در این متون می‌توان به اطلاعات مهمی درباره فرهنگ، زبان و باورهای مذهبی ساکنان نوار غربی ایران و منطقه زاگرس دست یافت؛ اگرچه در دو قرن گذشته، به واسطه بهره‌گیری از متون آشوری، جهش بسیار بزرگی در دانسته‌های ما پیرامون شناخت مناطق غربی ایران ایجاد شده است، اما هنوز هم ابهامات و مسایل حل‌نشده فراوانی درباره بسیاری از جزئیات مربوط به این مناطق باقی مانده است. جای نام باستانی «کارالا» که مورد بحث این نوشتار است، یکی از مناطق مهم غرب ایران و منطقه زاگرس در نیمه نخست هزاره اول پیش‌ازمیلاد به‌شمار می‌رود. تاکنون تلاش‌های قابل توجهی از سوی پژوهشگران مختلف برای مکان‌یابی و شناخت محدوده کارالای باستان براساس متون دوره آشور نو صورت پذیرفته است. این نوشتار سران دارد که با معرفی یک سرنخ جدید زبان‌شناختی، و انطباق آن با شواهد باستان‌شناختی و واقعیت‌های جغرافیایی منطقه، دریچه جدیدی را به سوی کارالای باستان بگشاید.

**پرسش‌ها و فرضیات پژوهش:** برخی از پرسش‌های اصلی که این پژوهش در پی دستیابی به پاسخی برای آن‌هاست، عبارتند از: ۱. علاوه بر نقش برجسته و کتیبه تنگی‌ور، چه شواهد دیگری را می‌توان مستقیماً به کارالای باستان ارتباط داد؟ ۲. برپایه شواهد موجود، محدوده کارالا با کدام یک از مناطق پیشنهادی پژوهشگران مطابقت بیشتری دارد؟ ۳. مواد باستان‌شناختی مرتبط با کارالای باستان را عمدتاً در کدام محوطه‌های باستانی و کدام محدوده جغرافیایی می‌باید جست؟ فرض بر آن است که کتیبه و نقش برجسته مهم تنگی‌ور در محدوده سرزمین اصلی کارالای باستان برپا شده است.

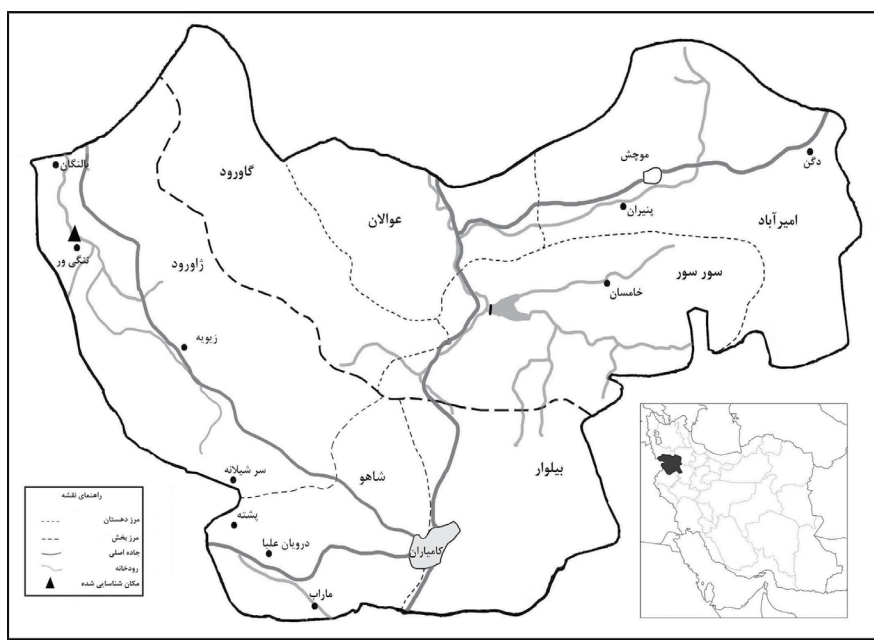
**روش پژوهش:** پژوهش پیش‌رو که با رویکرد تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی براساس منابع کتابخانه‌ای و پرس‌وجو از بومیان منطقه اورامانات انجام شده، بر آن است تا برای پرسش‌های مطرح شده فوق پاسخ مناسبی بیابد.

**پیشینه پژوهشی و آراء پیشنهادی پژوهشگران درباره مکان‌یابی کارالا**  
ابتدا در سال ۱۹۰۵ م.، «فردیناند یوستی» و همکارانش اعلام کردند که کارالا به همراه دیگر ناحیه مجاور آن، یعنی «آلابریا»، بین ناحیه داغستان و گیلان واقع بوده‌اند (Justi et al., 1905: 79)؛ سپس در سال ۱۹۴۳ م.، «ادوین رایت» موقعیت کارالا را در بخش علیای دره سردشت، مکان‌یابی کرد (Wright, 1943: 177, Map.1).

چند دهه پس از آن، «لوئیس-لوین» مسیر لشکرکشی سپاهیان آشوری به شرق را به صورت دقیق تری تجزیه و تحلیل کرد و موقعیت کارالا را در ناحیه دریاچه زریبار/زریوار، در فاصله حدود ۷۵ کیلومتری شمال غربی کتیبه تنگی‌ور، در حاشیه شهر امروزی مریوان، مکان یابی کرد (Levine, 1974: 110). پس از آن، پژوهشگرانی چون «زُدوک و براون» مکان یابی لوین را پذیرفتند (Zadok, 2002: 96; Brown, 1979: 16). گفتنی است، برخی نیز کارالا را در ناحیه‌ای واقع در شمال یا شمال غربی محدوده پیشنهادی لوین مکان یابی کرده‌اند؛ از جمله «دیاکونوف» (۲۵۳۷: ۱۹۴ و ۲۰۵) و به تبعیت از وی، «داندامایف» و «گرانتوسکی» که معتقدند کارالا در یکی از دره‌های بخش علیای زاب کوچک واقع بوده است (Dandamayev & Grantovskii, 1987). اما «گرنٹ فریم» معتقد است که موقعیت سنگ نگاره تنگی‌ور آشکارا نشان می‌دهد که کارالا در همین ناحیه (تنگی‌ور) قرار داشته است (Frame, 2013: 438). برخی پژوهشگران دیگر از جمله «پارپولا» و «پورتر»، هم چنین «ردنر»، با نظر فریم موافقت (Parpola & Porter, 2001: 11; Radner, 2003a: 120) (شکل ۶). «مدودسکایا پارسوا» را متعلق به گروه‌های مختلفی می‌داند که یکی از آن‌ها کارالا بوده است (Medvedskaya, 1999: 61). «الکساندر تورووتس» هم معتقد است که کارالا می‌باید در جنوب شرقی زاموا، در امتداد راهی که شهر حلبجه را در کردستان عراق به نوسود و پاوه در ایران متصل می‌کند، واقع بوده باشد (Tourovets, 2016: 5). تورووتس هم چنین شهر پاتا در متون آشوری را پایتخت احتمالی کارالا دانسته که به نظر وی، احتمالاً با پاوه کنونی یکی است (Ibid: 6). «عالم نعیمی» هم با توجه به محل این کتیبه، موقعیت کارالا را در مثلث شهرهای مریوان، سنندج و کامیاران (نعیمی، ۱۳۸۵: ۲۸)؛ و «سعدی سعیدیان» به شکل متمرکزتری در مثلث شهرهای پاوه، سروآباد و غرب کامیاران مکان یابی کرده‌اند (سعیدیان، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

### جای نام کارالا در متون دوره آشورنو

«کارالا» (کرل)، یک جای نام شناخته شده باستانی در نواحی شرقی آشور، واقع در غرب ایران امروزی بوده، که نام آن در کتیبه‌های آشوری اغلب به این شکل، و گاهی نیز به اشکال دیگری چون کارالی<sup>۲</sup>، کارالو<sup>۳</sup>، کارالوم<sup>۴</sup>، کارلایا<sup>۵</sup>، کارلاجاء<sup>۶</sup> و... ثبت شده است (برای اشکال گوناگون این جای نام ن. ک. به: ARAB II: 10, 23, 79. 703; Saggs, 1958: 196; Parpola, 1970: 200; Zadok, 2002: 96). باقی مانده از دوران آشور نو که به این جای نام اشاره دارند، جملگی مربوط به دوره پادشاهی سارگون دوم (۷۰۵-۷۲۱ پ. م.) هستند. مطابق سالنامه‌های آشوری، منطقه کارالا بارها از جانب سپاهیان آشور مورد تعرض قرار گرفته است. دست کم در سه مورد مشخص است که دلیل لشکرکشی‌های «سارگون»، طغیان مردمان کارالا علیه استیلای آشوری‌ها بوده است. در «سنگ یادمان نجف‌آباد»<sup>۷</sup>، (سطر ۳۲-۳۱) که به شرح لشکرکشی نخستین شش سال حکومت سارگون دوم (۷۱۶ پ. م.) می‌پردازد، ضمن اشاره به تسخیر کارالا آمده است: «من [سارگون دوم]، آشور-لیو<sup>۸</sup> فرمانروای کارالا را شکست دادم و کارالا را به همراه نواحی آن به ایالت لولومه<sup>۹</sup> الحاق

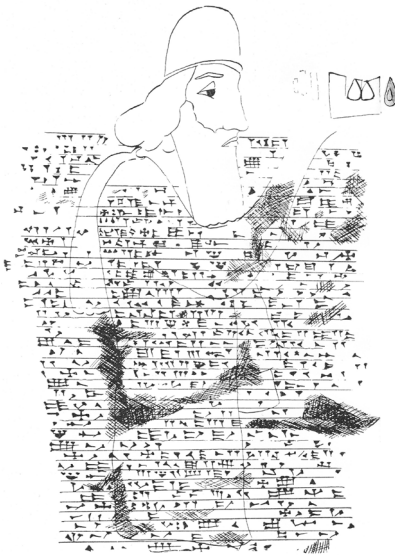


شکل ۱. موقعیت تنگی‌ور در نقشه منطقه و ایران (ساعدموچشی، ۱۳۹۱: شکل ۶۶).

کردم» (Levine, 1972: p39: 31-32). دلیل حمله سارگون آن بود که «اولوسونو»<sup>۱۰</sup> حاکم مانایی، دو فرمانروای دیگر در کوه‌های زاگرس، یعنی «آشور-لی» و «ایتی»<sup>۱۱</sup>، فرمانروایان سرزمین‌های کارالا و آلابریا<sup>۱۲</sup> را تحریک کرد که در مقابل آشوری‌ها به پا خیزند و از پرداخت خراج به آن‌ها سرباززنند (Frame, 2013: 436). ظاهراً در نتیجه این نبرد، پایتخت اولوسونو ویران شد و آشور-لی، فرمانروای کارالا دستگیر و به آشور برده شد. سرزمین او به ایالت لولومو که از قبل در کنترل آشور بود، الحاق شد. سارگون مدعی است که مردمان کارالا را به سرزمین حماث در سوریه تبعید کرده است.<sup>۱۳</sup> (Ibid: 436).



شکل ۲. دورنمای کتیبه و نقش برجسته تنگی‌ور بر سینه صخره مرتفع زینانه (عکس از: مرتضی زمانی، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۳. نقش برجسته تنگی‌ور (علی بیگی، ۱۳۹۸: ۱۸۸، تصویر ۲) و طرح آن (زارعی، ۱۳۸۲: ۶۶).

► شکل ۴. نمای کلی پناهگاه صخره‌ای تنگ زینانه با سفال‌های سطحی مربوط به عصر آهن III (ساعدموچشی، ۱۳۹۱).

اما این پایان کار کارالا نبود؛ زیرا مطابق کتیبه‌های آشوری، مردم کارالا دوباره توان خود را بازیافتند و حتی توانستند که حاکم دست‌نشانده آشوری را از سرزمین خود بیرون برانند. در کتیبه دیگری از سارگون دوم در این باره آمده است: «در سال نهم حکومتم (۷۱۳ پ. م.) علیه سرزمین‌های ایلیی<sup>۴</sup>، بیت دیوکی<sup>۵</sup> و کارالو لشکر کشیدم. مردم کارالو حاکم گمارده مرا بیرون کردند و آمیتاش شی<sup>۶</sup> برادر آشورلی را حاکم خود کردند. من در کوه آنا<sup>۷</sup>، آن‌ها را با شمشیر تارومار کردم، ۲۲۰۰ «زیم-پانی»<sup>۸</sup> (غنیمت جنگی؟) از آن‌ها به مقر من رسید. من آمیتاش شی و هم پیمانانش را تعقیب کردم...» (ARAB II/23). در نتیجه این نبرد، آمیتاشی شکست خورده و به ناحیه شوردا گریخت (Fuchs, 1994: 322). اما ناآرامی‌ها همچنان ادامه داشت، تا آن‌که در حدود سال ۷۰۶ پ. م. سارگون دوم ناچار شد که بار دیگر بر ضد منطقه کارالا لشکرکشی کند. این بار نیز کارالا در یک نبرد نابرابر، از ارتش بسیار مجهز و سازمان یافته تر آشور شکست خورد. در لشکرکشی اخیر، سارگون شخصاً حضور نداشت و سپاه او توسط سردارانش هدایت می‌شد. نقش برجسته و کتیبه‌ای به مناسبت این پیروزی در «تنگی‌ور» حجاری شده است (Frame, 1999: 50-51).

نقش برجسته و کتیبه «تنگی‌ور»<sup>۹</sup> که گاهی در منابع موجود، از آن به‌عنوان «نقش برجسته اورامانات» (در گردی هورامان<sup>۱۰</sup>) یاد می‌شود (سرفراز، ۱۳۴۷؛ زارعی، ۱۳۸۲؛ Börker-Klähn, 1984: 224, fn. 248)، در سال ۱۳۴۷ ه. ش. (۱۹۶۸ م.) توسط «علی اکبر سرفراز»، باستان‌شناس ایرانی، کشف شد. این کتیبه بر صخره‌ای در نزدیکی روستای «تنگی‌ور»، در ۴۵ کیلومتری شمال غربی کامیاران و ۸۵ کیلومتری شمال غربی کرمانشاه حجاری شده است (شکل‌های ۱-۲). در منابع موجود، نام کوهی که نقش برجسته بر آن حجاری شده، «زینانه»<sup>۱۱</sup> خوانده شده است، که آن را به معنی «زندان کوچک» دانسته‌اند و وجه تسمیه آن شکاف یا غاری است که



درست روبه‌روی کتیبه در جانب دیگر کوه قرار دارد (ن.ک. به: نعیمی، ۱۳۸۵: ۲۵؛ زارعی، ۱۳۸۲: ۲۷). درواقع صخره‌ای که این نقش برجسته بر آن حجاری شده، بخشی از کوهستان معروف «شاهو» است.<sup>۲۲</sup>

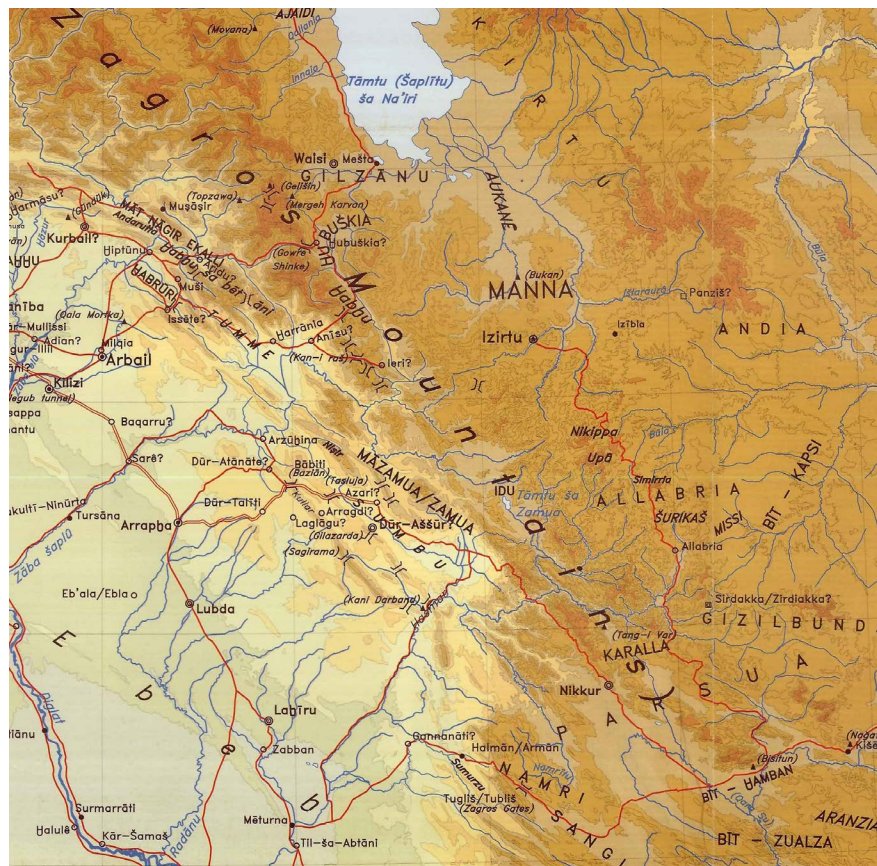
نقش برجسته تنگی‌ور، یک پادشاه آشوری (ظاهراً سارگون دوم) را در حالت ایستاده نشان می‌دهد که کتیبه‌ای در مقابل وی حک شده است (شکل ۳). «ملکزاده» و «احمدزاده خسروشاهی» معتقدند که نقش برجسته تنگی‌ور از نظر ظرافت و دقت با دیگر نقوش آشوری قابل مقایسه نیست و احتمالاً از یک سبک محلی پیروی می‌کند (ملکزاده و احمدزاده خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۹۳). کتیبه تنگی‌ور که پیش از این توسط گرنت فریم ترجمه و منتشر شده است، دارای ۴۶ سطر است که از سطر ۳۷ به شرح لشکرکشی سارگون به کارالا اختصاص دارد. چکیده چند سطر مذکور چنین است: «... مردم کارالا عادت به تبعیت از هیچ حکومتی نداشتند و به کوه‌های پرشیب خود پشت گرم بودند، اما سربازان من، هم‌چون عقاب، به صخره‌های دور از دسترس کوهستان آن‌ها نفوذ کردند...» (Frame, 1999: 41). لازم به ذکر است که در بررسی‌های باستان‌شناسی این منطقه، در فاصله حدود ۱۰۰ متری نقش برجسته و کتیبه تنگی‌ور، در مکانی به نام پناهگاه صخره‌ای زینانه، سفال‌های عصر آهن III شناسایی شده است (ساعدموچشی، ۱۳۹۱)، (شکل ۴). یک نقش برجسته جالب توجه دیگر هم که آن را مربوط به شلمنصر سوم می‌دانند و تصور می‌شود از مکان نامشخصی در منطقه اورامانات به دست آمده است، از سال ۱۳۹۱ ه.ش. در موزه باستان‌شناسی سنندج نگه‌داری می‌شود (Radner et al. 2020: 91-2)، (شکل ۵).



شکل ۵. نقش برجسته منسوب به شلمنصر سوم مکشوف از منطقه اورامانات، موزه باستان‌شناسی سنندج (Radner et al. 2020: 91-2). (fig. 7)

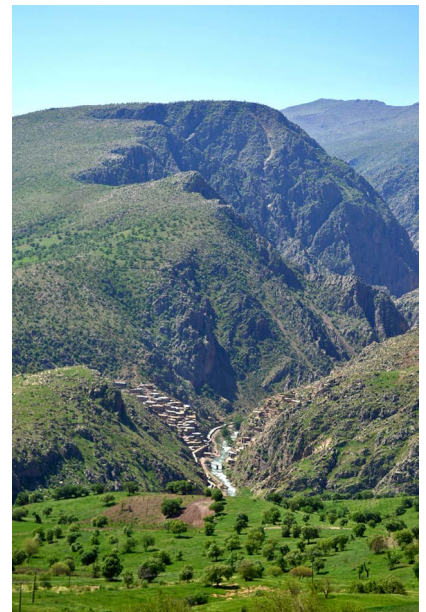
### شواهد تازه برای مکان یابی کارالا

اگرچه پیشنهاد لوین برای مکان یابی کارالا در جنوب دریچه زریبار هوشمندانه بود، اما شواهد دیگری هم در دست است که با اتکاء به آن می‌توان محدوده کارالای باستان، یا دست‌کم مرکز اصلی و قلب این منطقه را به شکل دقیق‌تری مشخص کرد. چنان‌که فریم نیز معتقد است، احتمال این‌که کتیبه تنگی‌ور در محدوده کارالای باستان برپا شده باشد، بسیار است. چنان‌که گفته شد، سطرهای پایانی کتیبه تنگی‌ور به شرح لشکرکشی به کارالا می‌پردازد و بلافاصله پس از آن، در سطر ۴۵، به برپایی نقش برجسته و کتیبه یادبود اشاره شده است (Frame, 1999: 41)؛ بنابراین، منطقی است که فرض کنیم سنگ یادمان مذکور در مکانی در ناحیه کارالا برپا شده است. به‌علاوه در کتیبه آشوری از کوهی به نام «انا» نام‌برده شده که احتمالاً موقعیت آن با کوه زینانه امروزی، در همین مکان، مطابقت دارد. در واقع ممکن است که نام کوه باستانی «آنا» را بتوان در نام این مکان (زینانه) بازیابی کرد. به‌نقل از مهاجمان آشوری آمده است که مردم کارالا به کوه‌های پرشیب خود متکی بودند، که این توصیف بسیار به منطقه کوهستانی اورامان و کوهستان معروف «شاهو» نزدیک است. جالب آن‌که در کتیبه‌های شاهان پیش از سارگون دوم، اشاره‌ای به نام کارالا نشده است، که احتمالاً دلیل آن چشم‌پوشی آشوری‌ها از لشکرکشی مستقیم به این ناحیه به سبب صعب‌العبور بودن آن بوده است. در مجموع، جغرافیای طبیعی این ناحیه مشتمل بر کوه‌های بلند



► شکل ۶. نقشه زاگرس مرکزی و موقعیت پیشنهادی پارپولا و پورتر برای کارالا در دوره آشور نو (Parpola & Porter, 2001: fig. 1).

و دره‌های عمیق بوده و کمبود دشت‌های هموار و باز در اورامانات سبب شده است که شهرها و روستاهای این منطقه در شیب تند کوه‌ها بنا شوند (شکل ۷)؛ در نتیجه، در این منطقه شاهد شکل‌گیری نوع خاصی از معماری موسوم به «پلکانی» هستیم که در آن حیاط هر خانه، پشت بام خانه دیگری است که این ویژگی از شاخصه‌های مهم و برجسته معماری منطقه اورامانات به شمار می‌رود (شکل‌های ۱۰-۹). این نوع جغرافیای ویژه در اورامانات، حتی متفاوت از دیگر مناطق مجاور آن است؛ بنابراین باتوجه به موقعیت کتیبه تنگی‌ور و این حقیقت که در کتیبه مذکور از مردمان کارالا به‌عنوان ساکنان کوه‌های پرشیب یاد شده است، می‌توان گفت که قلمروی اصلی منطقه کارالای باستان به احتمال بیشتر به سمت ناحیه کوهستانی اورامانات، واقع در جنوب شرقی دریاچه زریبار/زریوار کشیده شده است.



▲ شکل ۷. دورنمای روستای پالنگان در دره رود تنگی‌ور، در میان کوه‌های بلند (عکس از: مرتضی زمانی، ۱۳۹۸).



شکل ۸. موقعیت روستای بُلبر هورامان و انارستان‌های آن در داخل یک دره تنگ میان کوهی در کنار رود سیروان (عکس از: مرتضی زمانی، ۱۳۹۸). ◀



اما به تصور نگارنده، یک سرنخ بسیار جالب دیگر هم وجود دارد که درستی فرضیه پیشین را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که محدوده کارالی باستان از نظر جغرافیایی تا حد زیادی بر ناحیه اورامانات امروزی منطبق است. در حالی که تولید بیش از ده رقم انار در اورامانات، این منطقه را به کانون یکی از مهم‌ترین مناطق تولیدکننده این میوه در غرب ایران تبدیل کرده است (ن.ک. به: سایت جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۲)؛ نگارنده به شکل بسیار اتفاقی دریافت، که یکی از ارقام (ژنوتیپ‌های) معروف انار در این منطقه «کارالی»<sup>۲۳</sup> نام دارد. این درحالی‌ست که نام «کارالی» فاقد هرگونه ریشه شناخته شده و مشخصی در گویش محلی «هورامی» و نیز فرهنگ‌های شناخته شده زبان کردی و فارسی است. به علاوه بومیان این منطقه نیز هیچ‌گونه پیش‌زمینه ذهنی یا تصویری درباره مفهوم این نام ندارند. در فرهنگ واژه‌شناسی گویش اورامی، نام کارالی (تلفظ حرف «لام» مَفْحَم و حرف «ر» در برخی نقاط به صورت مشدد)، به عنوان نوعی انار توصیف شده است (ن.ک. به: بیدار، ۲۰۱۰: ۷۳۸). در منابع تخصصی انارشناسی نیز به برخی ویژگی‌های این ژنوتیپ (رقم) انار، کم‌وبیش اشاره شده است (برای نمونه ن.ک. به: حیرانی و همکاران، ۱۳۹۴: جدول ۱). به طور کلی انار کارالی از لحاظ ویژگی‌های ظاهری، نسبت به دیگر ارقام انار در همین منطقه و مناطق مجاور آن، کاملاً متفاوت است و می‌توان آن را اناری با پوست کرم رنگ یا سبز کم‌رنگ توصیف نمود که دانه‌های صورتی رنگ و کم تراکم، اما عموماً شیرین دارد. اما نکته مهمی که به این مبحث ارتباط دارد، آن است که به اعتقاد نگارنده، ریشه باستانی واژه کارالی و ارتباط آن با کارالی مذکور در متون دوره آشورنو، تا حد زیادی محتمل به نظر می‌رسد. این موضوع چندان عجیب نیست؛ زیرا برخی جای‌نام‌های شناخته شده متون آشوری واقع در سرزمین‌های شرق آشور، که در محدوده ایران کنونی قرار داشته‌اند، هنوز هم پس از گذشت قرن‌ها و هزاره‌ها همچنان شکل اولیه نام خود را حفظ کرده‌اند، که از آنجمله می‌توان به «حَلَمَن»<sup>۲۴</sup> در متون آشوری: «حَلوان» دوره اسلامی، «رود آلون»/«الوند» کنونی (سرپل‌ذهاب) (ن.ک. به: رضائی، ۱۳۹۷؛ Frayne, 1998: 258, 266)؛ «خرزینو» در متون آشوری: «هرسین» امروزی (ملکزاده، ۱۳۹۵)؛ «زیبیه»/«ایزیبیه»<sup>۲۵</sup> در متون آشوری: «زیویه» کنونی (Godard, 1950: 5; Reade, 1995: 40)؛ «اوراتوس»<sup>۲۶</sup> در متون آشوری: «أروتس»<sup>۲۷</sup> منابع یونانی، «اروند» منابع اوایل اسلامی و کوه «الوند» کنونی (Alibaigi et al., 2017)؛ «اورمیاته»<sup>۲۸</sup> در متون آشوری: «اورمیه» امروزی (رضائی، ۱۳۹۶: ۵۵) و... اشاره کرد.<sup>۲۹</sup>

بررسی شواهد زبان‌شناختی، ژنتیکی و آئینی نشان می‌دهد که قرن‌هاست انار در حکم یک میوه مهم و حتی آئینی، در استان کرمانشاه و منطقه اورامانات حضور مستمر داشته و دارای پیشینه تاریخی است. امروزه مردمان پیرو آئین یاری (اهل حق)، که مهم‌ترین زیارتگاه‌های آن‌ها در همین منطقه اورامانات قرار دارد، انار را یک میوه مقدس و آئینی می‌دانند؛ چنان‌که انار در زمره معدود میوه‌هایی قرار دارد که اجازه ورود به تشریفات آئینی موسوم به «نیاز» می‌یابد (Weightman, 1964: 94). هم‌چنین اعتقاد بر این است که «داداساری»، پیشخدمت باکره «سلطان

سحاک»، بنیان‌گذار این آئین، از طریق خوردن یک دانه انار، فرزند خویش، بابایادگار، را آبستن شده است (صفی‌زاده، ۱۳۶۰: ۶۸؛ Bruinessen, 1995: 13)؛ به همین دلیل پیروان یادگاری، که یکی از هفت شاخه اصلی آئین مذکور به شمار می‌رود، بریدن سرانار، یا به عبارتی جدا کردن بخش انتهایی آن به وسیله چاقو یا هر وسیله برنده دیگر را عملی ناصواب و به مثابه گناه تلقی می‌کنند (ن.ک. به: الهی، ۱۳۷۳: ۹۶-۴۹۵).

ازلحاظ علمی نیز پژوهشگران معتقدند که انار یکی از قدیمی‌ترین گونه‌های گیاهی شناخته شده به شمار می‌رود و ایران مرکز پیدایش انار یا دست‌کم یکی از مراکز مهم پیدایش آن بوده است (مرادی‌عاشور، ۱۳۹۷: ۵۵۵؛ Sarkhosh et al., 2006; Morton, 1987). نتایج پژوهش‌های علمی اخیر بر روی ارقام بومی انار در استان کرمانشاه، شامل منطقه اورامان، نشان می‌دهد که این ناحیه دارای ذخایر غنی و تنوع بالایی ژنتیکی گیاه انار است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲). برآیند همه این موارد نشان از پیشینه کهن سال و خاستگاه بومی انار در استان کرمانشاه، به ویژه منطقه انارخیز اورامانات/هورامان دارد (شکل ۸)؛ بنابراین چندان دور از ذهن نیست که انار کارالی، از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح در منطقه اورامان وجود داشته و نام خود را از همین منطقه که بومی آنجا بوده، گرفته است و تاکنون نیز نام قدیمی مذکور، نسل به نسل در میان ساکنان بومی این منطقه حفظ شده و در کنار ارقام جدیدتر و وارداتی همین میوه به حیات خود ادامه داده است.

### پیشنهادی برای وجه تسمیه نام کارالا/کارالی

چنان‌که گفته شد، نگارنده - نام یکی از ارقام بومی انار در منطقه اورامانات که به «انار کارالی» موسوم است - را به نام قدیمی این ناحیه پیوند می‌دهد و معتقد است که نام انار مورد بحث همان نام باستانی این ناحیه در نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد است. باتوجه به این موضوع و یادآوری این حقیقت مهم که در کتیبه‌های آشوری از شکل نوشتاری کارالی نیز برای اشاره به سرزمین مورد بحث، استفاده شده است (ن.ک. به: Parpola, 1970: 200)، نگارنده معتقد است که شکل اخیر، احتمالاً فرم صحیح‌تری از تلفظ بومی جای نام مورد بحث را نشان می‌دهد و به این دلایل در ادامه این نوشتار، صرفاً از نام کارالی برای اشاره به سرزمین باستانی مذکور استفاده خواهد شد. درباره ترکیب جای نام باستانی کارالی نیز می‌توان تا حدودی به گمانه‌زنی پرداخت. به نظر می‌رسد که نام مذکور از دو بخش کار+الی تشکیل شده است؛ جزء اول این نام، یعنی «کار» ظاهراً یک پیشوند مکانی متداول بوده که در ترکیب نام بسیاری از شهرها و دژ-شهرهای نیمه اول هزاره نخست پیش از میلاد دیده می‌شود.<sup>۳۰</sup> در زبان‌های اکدی و آشوری واژه «کارو» به معنی «منزلگاه و محل دادوستد و تجارت» بوده است که عمدتاً به بخش بیرونی شهر اطلاق می‌شده است (Oppenheim, 1977: 231 s.v. kārū A; see CAD K, 91). ممکن است واژه قدیمی «کار» قرابت‌هایی با واژه «شار»، در زبان کردی (هژار، ۱۳۷۶: ۴۶۳)، و «شهر»، در زبان فارسی، داشته باشد (رضائی، ۱۳۹۶: ۵۵)؛ بنابراین

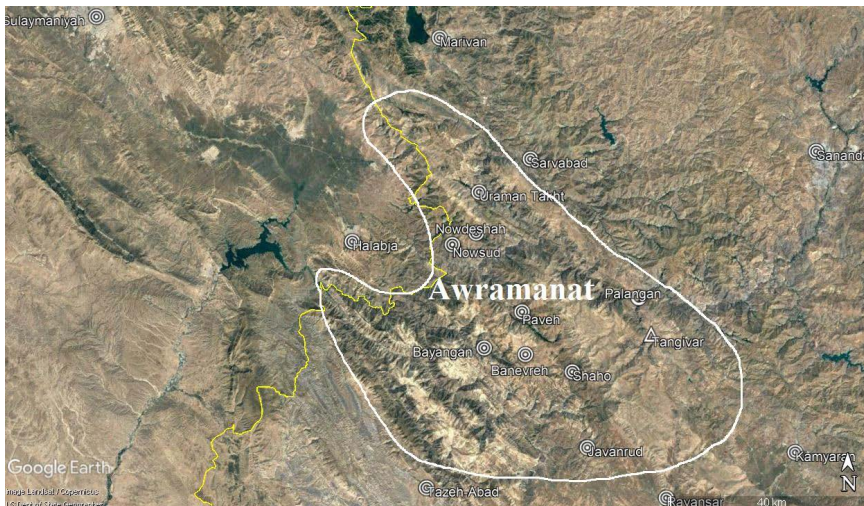
به نظر می‌رسد که در کتیبه‌های آشوری جای‌نام‌هایی که پیشوند «کار/گر» دارند، مشخصاً به یک شهر یا دژ-شهر مهم اشاره دارند (ن.ک. به: پی‌نوشت ۳). اگر حدس ما درباره ترکیب نام کارالی درست باشد، در آن صورت می‌توان گفت که نام مذکور در درجه نخست، مربوط به یک شهر یا استقرار شناخته شده بوده است که در عین حال به منطقه‌ای که این شهر در آن واقع بوده (اورامانات) نیز اطلاق می‌شده است. در کتیبه‌های آشوری، اغلب از اصطلاح KUR (سرزمین)، و در مواردی هم از اصطلاح URU (شهر)، پیش از جای‌نام کارالا/کارالی استفاده شده است (ن.ک. به: Parpola, 1970: 200). امروزه نیز موارد قابل مقایسه‌ای وجود دارد که در آن‌ها نام یک شهر به عنوان مرکزیت یک استان، به کل آن استان اطلاق شده است (برای مثال: کرمانشاه، ایلام و همدان در همین ناحیه)؛ بنابراین این موضوع ما را متقاعد می‌کند که احتمالاً یک شهر به نام کارالی و در عین حال ناحیه‌ای به همین نام وجود داشته و می‌باید در جستجوی مکان این شهر گمشده در منطقه اورامانات باشیم. اما جزء دوم جای‌نام کارالی، یعنی «آلی» را می‌توان دلیل اصلی نام‌گذاری آن تلقی کرد. در این باره نیز می‌توان فرضیاتی را مطرح کرد؛ از جمله ممکن است که این بخش، همان است که در جزء دوم نام حاکم شهر مذکور در این زمان (اواخر سده هشتم پیش از میلاد) دیده می‌شود. مطابق کتیبه‌های آشوری می‌دانیم که حاکم کارالی شخصی به نام «آشور-لی» یا «آشور-لو» بوده است.<sup>۳۱</sup> مورد قابل مقایسه، نام «راماتوا» حاکم «بیت-راماتوا» در غرب ایران است که به عقیده «رادنر» از نام شهر اقتباس شده است (Radner, 2003b: 40). چنان‌که ملاحظه می‌شود، هم در ترکیب جای‌نام باستانی مورد بحث و هم در ترکیب نام حاکم آن، پسوند «آلی/آلو» (āli/ālu)، مشاهده می‌شود. نگارنده معتقد است که این پسوند می‌تواند با جزء دوم عبارت «بل-آلی»<sup>۳۲</sup> مرتبط باشد که یک عنوان مهم و رایج در کتیبه‌های آشوری و بابلی بوده و به «فرمانروای یک شهر» اطلاق می‌شده است (CAD: ā, 388 see.). اسناد آشوری هنگام اشاره به نواحی غربی ایران، از عده زیادی «بل‌آلی»، «ده‌خدایان مادی»، نام می‌برند که پژوهشگران آن را ترجمه واژه مادی «ویس‌پتی»<sup>۳۳</sup>



► شکل ۹. معماری پلکانی روستای پالنگان هورامان (عکس از: مرتضی زمانی، ۱۳۹۸).



شکل ۱۰. معماری پلکانی روستای ناو هورامان در محدوده سد داریان (Biglari & Shidrang, 2019).



شکل ۱۲. قلمرو پیشنهادی و تقریبی نگارنده برای سرزمین کارالی، که بخش‌هایی از استان‌های کنونی کرمانشاه و کردستان تا حلبچه در کردستان عراق، به مرکزیت ناحیه اورامانات را دربر می‌گیرد (Google Earth, 2019).

ویس‌بد، رئیس دوده) دانسته‌اند (دیاکونوف، ۲۵۳۷: ۱۷۵؛ ملکزاده، ۱۳۹۶). اگر حدس ما درباره ترکیب بندی جای نام «کارالی/کارالو»، و حاکم آن درست باشد، در این صورت کارالی به معنی شهر حاکم‌نشین یا «شهر فرمانروا» و آشورلی نیز یک نام مذهبی است که به مفهوم «آشور فرمانروا» خواهد بود.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که احتمالاً بخش اصلی و مرکزی سرزمین کارالی به مرکزیت شهر «کارالی» در ناحیه اورامانات واقع بوده است. ناگفته نماند محدوده‌ای که کتیبه تنگی‌ور در آن واقع است، در دوره اسلامی هم از اهمیت زیادی در منطقه کردستان برخوردار بوده است. روستای پالنگان در نزدیکی کتیبه تنگی‌ور که امروزه به دلیل طبیعت بکر و منحصر به فرد، هم‌چنین نوع معماری پلکانی‌اش شهرت منطقه‌ای و کشوری دارد (شکل ۹)، به گواهی قلعه مشرف به روستا، از دوره سلجوقی اهمیت داشته و به استناد متون تاریخی، در دوره صفوی یکی از دارالملک‌های کردستان، تحت حاکمیت «اردلان‌ها» بوده است (سنندجی، ۱۳۶۶: ۳۶؛ زارعی، ۱۳۹۲: ۶۵)؛ بنابراین یک گزینه پیشنهادی برای موقعیت شهر کارالی،

همان محدوده کتیبه تنگی‌ور و پالنگان خواهد بود. گزینه احتمالی دیگر، منطقه موسوم به «اورامان تخت»، در فاصله حدود ۴۰ کیلومتری غرب تنگی‌ور، است که امروزه مرکزی برای برگزاری برخی جشن‌ها و مراسم‌های قدیمی در منطقه به‌شمار می‌رود و به عقیده ساکنان آن، از دیرباز تختگاه حاکمان اورامانات بوده است. امروزه معروف‌ترین مراسم آئینی که سالیانه دو بار در هورامان تخت برگزار می‌شود، مراسم موسم به «پیرشالیار» است که پیشینه کهن دارد و احتمالاً ریشه‌های آن به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد (محمدپور، ۱۳۸۶؛ حمه‌جانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۵). چنان‌که ملاحظه می‌شود، ممکن است که بتوان عنوان رایج و قدیمی «آلی»، به معنی فرمانروا، و شاید هم نام آشوری فرمانروای کارالی را در ترکیب نام این شخصیت محلی بازیابی کرد.<sup>۳۴</sup>

### قلمرو پیشنهادی کارالی باستان

باتوجه به شواهد موجود، می‌توان به‌صورت دقیق‌تری درباره مرزهای سرزمین کارالی به گمانه‌زنی پرداخت. از کتیبه‌های آشوری چنین استنباط می‌شود که سرزمین کارالا/کارالی در جهات مختلف، در مجاورت یا نزدیکی مناطقی چون: «آلبریا»، «زاموا»<sup>۳۵</sup>، «شوردا»<sup>۳۶</sup>، «سوریکاش»<sup>۳۷</sup>، «کاکزو»<sup>۳۸</sup> و... قرار داشته است (Saggs, 1958: 210; Zadok, 2002: 96; Brown, 1979: 17; Young, 1967: 17). موقعیت قطعی یا تقریبی جای نام‌های یادشده تا حدودی مشخص است؛ چنان‌که مرزهای شرقی زاموا تا حدود اورامانات، در محدوده دشت شهرزور-حلبجه در کردستان عراق، امتداد داشته است (Speiser, 1927; Brown, 1979: 5; Tourovets, 2015: 24). در کتیبه‌های شلمنصر سوم، دریاچه زریوار در مریوان به‌نام دریاچه مازاموای داخلی مشخص شده است (Levine, 1988: 88; Radner et al., 2020: 89). هم‌چنین ناحیه آلبریا در دره سنندج (Brown, 1979: 17) و سوریکاش در محدوده بانه امروزی (Ibid: 10) مکان‌یابی شده است. کاکزو هم در غرب کارالی، بین زاب بالا و پایین واقع بوده است (Saggs, 1958: 196)؛ بنابراین می‌توان گفت که مرز تقریبی کارالی از سمت غرب احتمالاً تا بخش کوهستانی اورامانات واقع در نزدیکی شهر حلبجه در کردستان عراق، از سمت جنوب تا محدوده شهرستان جوانرود و از سمت شرق تا نزدیکی‌های کامیاران امتداد داشته است (شکل ۱۱). این محدوده از لحاظ زمین‌شناختی، با زون کارستی و چین‌خورده زاگرس انطباق دارد که از این نظر متمایز از زون سنندج-سیرجان است که از نوار شمالی مجاور آن می‌گذرد. ناحیه موردبحث، همان است که قرن‌ها به‌نام «اورامانات» شناخته می‌شود و به‌لحاظ بسیاری از ویژگی‌های جغرافیایی و محیطی نسبت به نواحی پیرامون خود متمایز است.

تاکنون ده‌ها مکان باستانی دارای لایه‌های استقرار مربوط به هزاره نخست پیش‌ازمیلاد، در منطقه اورامانات، در محدوده شهرستان‌های کامیاران، پاوه و مریوان شناسایی و در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. در اواخر دهه چهل خورشیدی، کاوش‌هایی توسط «محمود کردوانی» در برخی تپه‌های باستانی

واقع در منطقه کامیاران چون تپه‌های «توبره‌ریزه» و «تیانه» صورت گرفت (زارعی، ۱۳۹۲ الف). تصور می‌شود که وجود لایه سوخته به همراه نشانه‌هایی از آتش‌سوزی و تخریب در برخی تپه‌های این مناطق چون تپه‌های توبره‌ریزه، «خامسان»، «تنگی‌ور» و «زیویه»، نشان از هجومی گسترده دارد که احتمالاً مسبب آن لشکرکشی آشوری‌ها بوده است (زارعی، ۱۳۸۲: ۴۸؛ زارعی، ۱۳۹۲ الف: ۱۰۴ و ۱۱۴). با توجه به آن‌چه که گفته شد، به اعتقاد نگارنده، محوطه‌ها و تپه‌های مربوط به هزاره نخست پیش‌ازمیلاد واقع در منطقه اورامانات، در محدوده کارالی باستان قرار دارند و به همین دلیل احتمالاً همگی یا برخی از آن‌ها، حاوی لایه‌های استقرار یا تدفینی عصر آهن و بقایای فرهنگ مادی مرتبط با کارالی باستان هستند.

### نتیجه‌گیری

کارالا/کارالی/کارالو، یک جای نام باستانی واقع در غرب ایران امروزی بوده است که چندین بار در متون دوره سارگون دوم آشوری (اواخر قرن هشتم پیش‌ازمیلاد)، به نام آن اشاره شده است. پیش از این، پژوهشگرانی چون لویس لوین و گرت فریم، موقعیت این جای نام را در محدوده زریبار/زریوار در شهرستان مریوان تا تنگی‌ور در نزدیکی‌های کامیاران مکان‌یابی کرده‌اند. دلایل مهمی در دست است که نشان می‌دهد کارالی باستان همان منطقه اورامانات امروزی بوده است؛ نخست آن‌که کتیبه و نقش برجسته مهم تنگی‌ور که به شرح لشکرکشی آشوری‌ها به کارالا می‌پردازد، در محدوده اورامانات برپا شده است. دوم آن‌که در کتیبه تنگی‌ور از کوهی به نام «آنا» در سرزمین کارالی نام برده شده که احتمالاً نام آن در نام کوه امروزی زینانه که کتیبه و نقش برجسته تنگی‌ور بر سینه آن حجاری شده، قابل‌بازیابی است. سوم آن‌که در کتیبه تنگی‌ور، گفته شده که مردم کارالا به کوه‌های پرشیب خود پشت گرم بودند که این توصیف هم کاملاً با منطقه کوهستانی و صعب‌العبور اورامانات سازگار است. دلیل چهارم آن است که بررسی نگارنده نشان می‌دهد که این نام باستانی تا به امروز به همین صورت بر یک رقم بومی انار در منطقه اورامانات، که به «کارالی» موسوم است، حفظ شده است. مجموع این دلایل، انطباق کارالی باستانی با محدوده اورامانات کنونی را تأیید می‌نماید. با توجه به آن‌چه که گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بقایای استقرارهای مربوط به عصر آهن III در محدوده شهرستان‌های پاوه، کامیاران، و بخش جنوبی‌تر مریوان، و جنوب دره سنندج، هم‌چنین بخش‌های شمالی و شمال‌غربی شهرستان‌های ثلاث باباجانی، جوانرود و روانسر و نیز بخش‌هایی از ناحیه اورامان در محدوده شهر حلبچه در کردستان عراق که در مجاورت زاموای باستان قرار داشته است، به احتمال زیاد در ارتباط مستقیم با کارالی و فرهنگ مادی مردمان آن دیار قرار دارد. این ناحیه که دارای مرزهای طبیعی جغرافیایی و حتی از جهاتی ویژگی‌های فرهنگی مخصوص به خود است، امروزه نزد همگان به «اورامانات» معروف است. وجود کوه‌های بلند و صعب‌العبور با پوشش متراکمی از درختان خودرو و دره‌های تنگ و عمیق که رودهایی درون آن‌ها جاری است، از ویژگی‌های شاخص این منطقه است. به نظر

می‌رسد که پادشاهان آشوری به دلیل صعب‌العبور بودن این منطقه تا حد امکان از لشکرکشی به آن اجتناب می‌کرده‌اند، به‌گونه‌ای که شاید بتوان گفت که تا پیش از سلطنت سارگون دوم، احتمالاً این منطقه به نوعی مستقل از مداخله مستمر و مستقیم آشوری‌ها بوده است. از کتیبه‌های آشوری چنین استنباط می‌شود که نام کارالی، علاوه بر یک سرزمین یا منطقه جغرافیایی، به یک شهر نیز اطلاق می‌شده است. با توجه به شواهد موجود، می‌توان چنین فرض کرد که شهر کارالی جایی در محدوده پالنگان و تنگی‌ور تا منطقه اورامان تخت در غرب آن، واقع بوده است. هرگونه اظهار نظر بیشتر درباره کارالی و ارتباط آن با اورامانات، نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر میدانی و کاوش‌های هدفمند آتی در این منطقه است.

### سپاسگزاری

از آقایان دکتر سجاد علی بیگی، دکتر امیر ساعد موچشی و دکتر سعدی سعیدیان به خاطر مطالعه این مقاله و پیشنهادهای ارزنده‌شان، هم‌چنین از آقایان دکتر فریدون بیگلری، سیروان محمدی قصریان و مرتضی زمانی به خاطر در اختیار نهادن منابع و عکس‌هایی از منطقه اورامانات، و در پایان از آقای دکتر محمد صدیق زاهدی که در پیشبرد مباحث زبان‌شناسی و انارشناسی اورامانات به اینجانب کمک نمودند، هم‌چنین از آقای برهان سعیدی صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

### پی‌نوشت

#### 1. Karalla

در مقالات تخصصی که در چند سال اخیر در مبحث جغرافیای تاریخی غرب ایران در دوره آشور نو منتشر شده است، جای‌نام مورد بحث در این نوشتار به صورت کزل، ثبت شده است (برای نمونه ن. ک. به: زارعی، ۱۳۹۲ الف: ۱۱۳؛ سعیدیان، ۱۳۹۷: ۱۱۴) که این خوانش بر پایه محوریّت مصوت کوتاه «-» در زبان آشوری استوار است. با توجه به تلفظ نزدیک کزل و کارالا، نگارنده در این نوشتار از همان شکل کارالا که نزد پژوهشگران قدیمی تر رایج بوده است، استفاده کرده است؛ به‌ویژه این حقیقت که مدارک ما برای درک تلفظ دقیق این جای‌نام توسط ساکنان قدیم کارالا کافی نیست و گزینه پیشنهادی نگارنده (کارالی) نیز احتمالاً ریشه در تلفظ این جای‌نام نزد ساکنان قدیمی همین منطقه دارد.

#### 2. Karalli

#### 3. Karallu

#### 4. Karallum

#### 5. Karllaia

#### 6. Karllaja

۷. سنگ یادمان نجف‌آباد در سال ۱۹۶۵ م. در بازدیدهای «تامس یانگ» و «لوییس لوین» در روستایی به همین نام، واقع در دشت اسدآباد، در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شرقی کنگاور، یافت شد. این سنگ یادمان دارای مقطعی تقریباً چهارگوش (مربع) بوده و بیش از ۲ تن وزن دارد و در حال حاضر در موزه ملی ایران نگه‌داری می‌شود. سنگ یادمان نجف‌آباد دارای تصویری از سارگون دوم (۷۰۵-۷۲۱ پ. م.) و یک کتیبه است که به شرح لشکرکشی اولین شش سال حکومت پادشاه مذکور می‌پردازد (Levine, 1972: 25-6; Frame, 2013: 435).

#### 8. Aššur-le' ū/ Aššur-lē'i

#### 9. Lulume/ Lullumu

#### 10. Ullusunu

#### 11. Ittī

#### 12. Allabria

۱۳. اطلاعات تکمیلی‌تر درباره سرنوشت آشوری و نزدیکانش، با وقایع روزمره سرزمین کارالا، را می‌توان در نامه‌های اداری آشوری به دست آورد؛ برای مثال، در نامه‌ای به شاه آشور گزارش شده که یکی از زیردستان فراری آشور-لی حاکم کارالا، به نبو-حماتو (Nabu-hamātū؛ احتمالاً یک شاهزاده مازاموایی) پناه برده و سه سال در آنجا بوده است (Hipp 2015: 55)؛ هم‌چنین در نامه دیگری آمده است که مردی دخترش را در کارالا در ازای یک گونی نمک فروخت، اما بعد پنهانی به او گفت که از نزد صاحبش بگریزد (Ibid: 71).

#### 14. Ellipi

- 15. Bît-Daiukki
- 16. Amitashshi
- 17. Ana
- 18. Zim-pāni

۱۹. Tang-i Var: در منابع موجود، وجه تسمیه این نام ذکر نشده است؛ بخش اول آن «تنگ» به معنی «تنگه و گذرگاه» بوده که با معادل فارسی آن یکی است. بخش دوم (حرف اضافه ی)، معادل «کسره» در فارسی است. بخش سوم (ور)، در کردی به معنی جلو و پایین (هزار، ۱۳۷۶: ۹۱۸)، معادل «بر» در زبان فارسی، هم‌چنین در یک مفهوم دیگر در گویش هورامی به معنی «خورشید» است؛ بنابراین کل ترکیب به معنی «تنگه آفتاب»، و به احتمال بسیار بیشتر به معنی «تنگه پیشین» یا «پیش تنگ» خواهد بود.

- 20. Hawrāmān
- 21. Zainanah

۲۲. کتیبه و نقش برجسته تنگی‌ور به شماره ۵۱۱۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است؛ اما ظاهراً همین اثر پیش از این نیز، در سال ۱۳۴۸ هـ.ش.، به شماره ۸۴۹ به عنوان نقش برجسته و کتیبه میخی اورامانات در شهرستان پاوه، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است!

- 23. Kārālī
- 24. Halman
- 25. Zibie/Izibie
- 26. Urattus
- 27. Orontes
- 28. Urmeyate

۲۹. جالب آن‌که حتی مواردی از نام اشخاص که ریشه آشوری یا بابلی دارند، از این مناطق یا نواحی مجاور آن گزارش شده است که نام مردوخ (مردوک) از آن جمله است. علاوه بر این گفته می‌شود که تا چند دهه پیش، شخصی با نام «آسارحدون» در منطقه موچش زندگی می‌کرده است (گفتگوی شخصی نگارنده با: دکتر امیر ساعد موچشی).

۳۰. برای مثال، واژه «کار» در جای‌نام‌های «کار-شاروکین» (Kar-Šarrukin)، «کار-نرگال» (Kar-Nergal)، «کاردونیاش» (Kardunyaš)، «کاریتو» (Karbitu)، «کارینتاش» (Karintaš)، «کاراورگالی» (Karurgali)، «کارزبابکو» (Karziyabku)، «کارکشی» (Kar-kaši)، «کارکارخوندیر» (Karkarixundir) و... دیده می‌شود که بنا به گواهی کتیبه‌های آشوری در بخش غربی سرزمین امروزی ایران قرار داشته‌اند (ن. ک. به: دیاکونوف، ۲۵۳۷: ۶۴۸-۶۴۹).  
۳۱. علاوه بر این شخص، نام سه شخص دیگر از اهالی کارالا در کتیبه‌های آشوری (۷۱۳ پ. م.) ثبت شده است: ۱. آمی‌تاشی (A-mi-taš-ši) ۲. آتاکاخ (At-ka-A+ [A]-x)، ۳. آتاکا (Zadok, 2002: 96) (At-ka-a-a).

- 32. bēl āli
- 33. vispati
- 34. Zamua
- 36. Šurda
- 37. Surikaš
- 38. Kakzu

۳۴. مبحث اورامان تخت و پیرشالیار را مدیون یادآوری دوست خوبم، دکتر محمدصدیق زاهدی هستم.

### کتابنامه

- الهی، نورعلی، ۱۳۷۳، برهان الحق. تهران: جیحون.
- بیدار، جمال حبیب‌الله فرج، ۲۰۱۰، فرهنگی وشه‌نامه هورامی-کوردی ناوه‌راست، اربیل.
- حمه‌جانی، یوسف؛ بایزیدی، قادر، سحابی، جلیل، ۱۳۹۷، «نشانه‌شناسی مراسم آئینی پیرشالیار در منظر فرهنگی هورامان». باغ نظر، ۱۵ (۶۷)، صص: ۱۷-۳۰.
- حیرانی، منوچهر؛ ارجی، عیسی؛ گردکانه، محمد، ۱۳۹۴، «بررسی خصوصیات کمی انارهای استان کرمانشاه». نهمین کنگره علوم باغبانی. اهواز.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلویچ، ۲۵۳۷، تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- رضائی، ایرج، ۱۳۹۶، «مروری بر آراء پیشین و ارائه چند پیشنهاد تازه درباره وجه تسمیه، پیشینه استقرار و تاریخ بنای شهر کرمانشاه». پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۵، شماره ۱، پیاپی، ۱۰، صص: ۶۵-۴۷.



- رضائی، ایرج، ۱۳۹۷، «از "خَلمان" تا "الون"؛ سرگذشت چهار هزار سالهٔ يك جاینام باستانی (سرپل ذهاب)» پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۸، شماره ۱، صص: ۵۵-۷۴.
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۸۲. «نقش برجسته و کتیبه تنگی‌ور (کتیبه سارگون دوم در تنگی‌ور)». فصلنامهٔ فرهنگ کردستان، شماره ۱۶ و ۱۷، صص: ۲۴-۶۵.
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۲ الف، آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی استان کردستان. انتشارات سبحان نور، دانشگاه بوعلی‌سینا.
- زارعی، محمدابراهیم، ۱۳۹۲ ب، «بررسی ساختار معماری دژشهر یا قلعه حسن‌آباد». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۴۹-۶۸.
- ساعدموچشی، امیر، ۱۳۹۱، «گزارش بررسی پارینه سنگی جنوب کردستان فصل نخست: شهرستان‌های کامیاران و سروآباد». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده)
- سایت سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۲، «برداشت انار از باغات شهرستان پایه آغاز شد». وب‌سایت: [www.kermanshah.maj.ir](http://www.kermanshah.maj.ir)
- سرفراز، علی‌اکبر، ۱۳۴۷، «سنگ نبشته میخی اورامانات». بررسی‌های تاریخی، شماره ۵، سال ۳، صص: ۱۳-۳۴.
- سعیدیان، سعدی، ۱۳۹۷، «جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره آشورنو: نمری، خمبن، کرل، پرسوا و البریه»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۹، دوره ۸، صص: ۱۰۵-۱۲۶.
- سنندجی، میرزا شکرالله (فخرالکتاب)، ۱۳۶۶، تحفه ناصریه در تاریخ و جغرافیای استان کردستان. با مقابله و تصحیح، حواشی و تعلیقات بانضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد از: حشمت‌الله طیبی، تهران: امیرکبیر
- علی‌بیگی، سجاد، ۱۳۹۸، «ملاحظات دربارهٔ باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره آشورنو». در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عصر آهن غرب ایران و مناطق همجوار، سنندج: دانشگاه کردستان، به کوشش: یوسف حسن‌زاده، علی‌اکبر وحدتی و زاهد کریمی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۲۰۷-۱۸۴.
- صفی‌زاده، صدیق، ۱۳۶۰، مشاهیر اهل حق. تهران: کتابخانهٔ طهوری.
- قربانی، طیبیه؛ چقامیرزا، کیانوش؛ ارجی، عیسی، ۱۳۹۲، «بررسی تنوع ژنتیکی انار (*Punica granatum L.*) با استفاده از صفات مورفولوژیک و نشانگرهای مولکولی». مجلهٔ بیوتکنولوژی کشاورزی، دوره ۵، شماره ۱، صص: ۱۱۱-۱۲۷.
- محمدپور، عادل، ۱۳۸۶، «کردستان، هورامان (اورامان)، پیرشالیار». زریبار، سال ۴۴، شماره ۶۴، صص: ۱۴۵-۱۵۴.
- مرادی‌عاشور، بهروز؛ ربیعی، محمد؛ شیران، بهروز، هوشمند، سعداله، ۱۳۹۷، «ارزیابی تنوع ژنتیکی و وراثت‌پذیری برخی خصوصیات میوه ژنوتیپ‌های انار». نشریهٔ علوم باغبانی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۳۲، شماره ۴، صص: ۵۶۶-۵۵۵.

- ملک‌زاده، مهرداد، ۱۳۹۵. «شاهک‌نشین مادی خرزینو در پایان سده هشتم پیش‌ازمیلاد و نشانه‌هایی از پیشینه باستانی هرسین». دیار، سال ۱، شماره ۲، صص: ۱-۱۸.
- ملک‌زاده، مهرداد؛ احمدزاده خسروشاهی، سولماز، ۱۳۹۶، «شاهانه یا نه؟ یادبودنامه‌های آشوری در نواحی شرقی امپراطوری». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. شماره ۱۳، دوره ۷، صص: ۱۰۲-۸۳.
- نعیمی، عالم، ۱۳۸۵، «کتیبه سارگن دوم آشوری در تنگی‌ور». رشد آموزش تاریخ، دوره ۷، شماره ۲۲، صص: ۲۴-۲۸.
- شرف‌کندی، عبدالرحمان (هه‌ژار)، ۱۳۷۶. فرهنگ کردی-فارسی. تهران: سروش.

- Alibaigi, S.; Rezaei, I. & Beheshti, S. I., 2017, "Najafabad, Sargon II's stele and Urattus: The Geological and Archaeological Evidence". *Zeitschrift für Assyriologie & Vorderasiatische Archäologie*, No. 107, Pp: 261-273

- ARAB II: Luckenbill, D. D., 1927. *Ancient Records of Assyria and Babylonia: Historical Records of Assyria from Sargon to the End*. vol. II, Chicago: University of Chicago Press.

- Biglari, F. & Shidrang, S., 2019. "Rescuing the Paleolithic Heritage of Hawraman". *Kurdistan, Iranian Zagros, Near Eastern Archaeology*, No. 82, Pp: 4.

- Börker-Klähn, J., 1984, *Alt Vorderasiatische Bildstelen und Vergleichbare Felsreliefs*. (Baghdader Forschungen 4), Mainz.

- Brown, S. C., 1979, *Kinship to kingship, Archaeological and Historical Studies in the Neo-Assyrian Zagros*. A thesis submitted in conformity with the requirements for the degree of doctor of philosophy in the university of Toronto, Canada.

- Bruinessen, M., 1995. "When Haji Bektash Still Bore the Name of Sultan Sahak: Notes on the Ahl-i Haqq of the Guran district". In: Alexandre Popovic & Gilles Veinstein (eds.), *Bektachiya: études sur l'ordre mystique des Bektachis et les groupes relevant de Hadji Bektach*. Istanbul: Éditions Isis, Pp: 117-138.

- CAD: The Assyrian Dictionary of the University of Chicago, 1964. Chicago, the Oriental Institute.

- Dandamayev & Grantovskii, È., 1987, "Assyria, i. The Kingdom of Assyria and its Relations with Iran". *Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, Fasc. 8, Pp: 806-817, California: Costa Mesa: Maza Publisher.

- Frame, G., 1999, "The Inscription of Sargon II at Tang-i var". *Orientalia*,

New Series, No. 68, Pp: 31-57.

- Frame, G., 2013, *Two Monumental Inscriptions of the Assyrian King Sargon II in Iran: The Najafabad Stele and the Tang-i Var rock relief*. Collection of Papers Presented to the Third International Biennial Conference of the Persian Gulf.

- Frayne D. R., 1998, "On the location of Simurru". In: Gordon D. Young (eds.), *Crossing Boundaries and Linking Horizons: Studies in Honor of Michael C. Astour on His 80th Birthday*, CDL Press, Bethesda, Maryland.

- Fuchs, A., 1994, *Die Inschriften Sargons II*. aus Khorsabad, Göttingen.

- Godard, A., 1950, *Le Trésor De Ziwiyè (Kurdistan)*. Haarlem.

- Hipp, K., 2015, "Fugitives in the State Archives of Assyria". *State Archives of Assyria Bulletin*, Vol. XXI, Pp: 48-77.

- Justi, F.; Williams, F. W.; Jastrow, M. & Jackson, V. W., 1905, *A History of all Nations*. Vol. 2, Lea Brothers & Company, Philadelphia and New York.

- Levine, L. D., 1972, *Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*. Royal Ontario Museum, Toronto.

- Levine, L. D., 1974, "Geographical Studies in the Neo-Assyrian Zagros-II". *Iran*, Vol. 12, Pp: 99-124.

- Levine, L. D., 1989, "K. 4675+ - The Zamua Itinerary". *State Archives of Assyria Bulletin*, No. 3, Pp: 75-82.

- Medvedskaya, I. N., 1999, "Media and its neighbors I: the localization of Ellipi". *Iranica Antiqua*, No. 34, Pp: 53-70.

- Morton, J., 1987, "Fruits of Warm Climates". *Miami FL, USA*. Pp: 352-355.

- Oppenheim, A., L., 1977, *Ancient Mesopotamia*. The University of Chicago press.

- Parpola, S., 1970, *Neo-Assyrian Toponyms*. AOAT 6 (Kevelaer and Neukirchen-Vluyn 1970).

- Parpola, S. & Porter, M., 2001, *The Helsinki Atlas of the Ancient Near East in The Neo-Assyrian Period*. The Casco Bay Assyriological Institute, The Neo-Assyrian Text Corpus Project.

- Radner, K., 2003 (a), "A Median Sanctuary at Bīt-Ištar". In: *Continuity of Empire (?) Assyria, Media, Persia*, edited by: G. B., Lanfanchi, M. Roaf and R. Rollinger, Pp: 119-130, Padova.

- Radner, K., 2003 (b), "An Assyrian view on the Medes". In: *Continuity of Empire (?) Assyria, Media, Persia*, edited by: G. B., Lanfanchi, M. Roaf and R. Rollinger, Pp: 37-64. Padova.

- Radner, K.; Masoumian, M.; Karimian, H. & Azizi E., 2020, "Neo-Assyrian Royal Monuments from Lake Zeribar in Western Iran". *Zeitschrift für Assyriologie*, No. 110(1), Pp: 84-93.
- Reade, J. E., 1995, "Iran in the Neo-Assyrian period". In: Mario Liverani (ed.): *from Neo-Assyrian geography, Roma*, Pp: 31-44.
- Saggs, H. W. F., 1958, "The Nimrud Letters". 1952: Part IV, *Iraq*, Vol. 20, No. 2, Pp: 182-212.
- Sarkhosh, A.; Zamani Z.; Fatahi R. & Ebadi, A., 2006, "RAPD markers reveal polymorphism among some Iranian pomegranate (*Punica granatum* L.) genotypes". *Scientia Horticulturae*, No. 111, Pp: 24-29.
- Speiser, E. A., 1927, "Southern Kurdistan in the annals of Ashurnasirpal and today". *AASOR*, No. 8, Pp: 1-42.
- Tourovets, A., 2016, "Researches about the localisation of ancient places around Kermanshah. The analyse of the VI<sup>th</sup> campaign of Sargon II". <https://netau.academia.edu/TALEXANDRE>.
- Tourovets, A., 2015, "The Assyrian Itineraries in the Zagros during the reign of Sargon II (6<sup>th</sup> and 8<sup>th</sup> campaigns) and the question about the correlation between Toponymy and Geography". *Iranian Journal of Archaeological Studies*, No. 5, Pp: 21-33.
- Weightman, S. C. R., 1964, "The Significance of Kitāb Burhān ul-Ḥaqq". *Iran*, Vol. 2, Pp: 83-103.
- Wright, E. M., 1943, "The Eighth Campaign of Sargon II of Assyria (714 B. C.)". *Journal of Near Eastern Studies*, Vol. 2, No. 3, Pp: 173-186.
- Young, C, Jr., 1967, "The Iranian migration into the Zagros". *Iran*, vol. V, Pp:11-34.
- Zadok, R., 2002, "The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period". *Iran*, Vol. XL, Pp: 89-152.